

رقابت پذیری صنعت قربانی بحران انرژی را هدف گرفت

تولید در خاموشی

شهناز صفایی: امروز کارخانه‌ها بیش از هر چالشی با کمبود برق و بی‌ثباتی در تأمین آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ وضعیتی که برنامه‌ریزی تولید را مختل کرده و رقابت‌پذیری صنعت را به چالش کشیده است. در شرایطی که هر خاموشی می‌تواند یک شیف‌ت کاری را از بین ببرد و هزینه‌های ثابت را بر دوش تولیدکننده سنگین‌تر کند، پرسش اصلی این است که آیا بحران انرژی قرار است همچنان با محدود کردن صنعت مدیریت شود یا زمان آن رسیده که راهکاری پایدار برای حفظ تولید در دستور کار قرار گیرد؟ واقعیت آن است که ناترازی انرژی دیگر یک اختلال مقطعی نیست، بلکه به یک عامل ساختاری در کاهش بهره‌وری صنعتی تبدیل شده است. قطع برق، تغییرات ناگهانی برنامه‌ها و نبود پیش‌بینی‌پذیری، تولید را از منطق بازار جدا کرده و به شرایط شبکه وابسته ساخته است. در این میان، به گفته کارشناسان و فعالان حوزه صنعت، بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از دیگران آسیب می‌بینند و زنجیره تولید با اختلالی فزاینده مواجه می‌شود. این گزارش صمت با تمرکز بر همین پرسش کلیدی، به بررسی اثر محدودیت انرژی بر تولید و پیامدهای آن برای اقتصاد می‌پردازد.

قطع برق در کارخانه فقط خاموش شدن چند لامپ نیست؛ توقف تولید است. با هر خاموشی ناگهانی، خط تولید از مدار خارج می‌شود، مواد اولیه آسیب می‌بیند، فرآیندهای حرارتی نیمه‌کاره می‌ماند و تجهیزات حساس از تنظیم خارج می‌شوند. راه‌اندازی مجدد نیز زمان‌بر و پرهزینه است و در بسیاری از صنایع، از فولاد و سیمان تا دارو و غذا، حتی یک توقف کوتاه می‌تواند چند ساعت یا یک شیف‌ت کامل تولید را از بین ببرد.

مسئله فقط خاموشی نیست، بی‌برنامگی است. تولیدکننده اگر زمان دقیقی محدودیت را بداند می‌تواند شیف‌ت‌ها، تعمیرات و سفارش‌ها را تنظیم کند. اما تغییرات ناگهانی و اعلام‌های دیر هنگام، امکان هرگونه برنامه‌ریزی را از بین می‌برد. در این وضعیت، تولید نه براساس سفارش بازار، بلکه بر مبنای وضعیت لحظه‌ای برق تنظیم می‌شود؛ یعنی بی‌ثباتی در قلب فرایند تولید.

صنعت زیر فشار ناترازی مزمن

محدودیت برق صنایع دیگر یک اتفاق مقطعی نیست، بلکه نشانه یک ناترازی ساختاری است. رشد مصرف برق از توسعه ظرفیت تولید، نوسازی شبکه و افزایش بهره‌وری جلو افتاده و همین فاصله هر سال در تابستان خود را با شدت بیشتری نشان می‌دهد. راهکار کوتاه‌مدت که همان محدود کردن مصرف صنایع است، شاید شبکه را برای چند ساعت پایدار نگه دارد، اما هزینه را به تولید منتقل می‌کند. کارخانه حتی در زمان توقف نیز باید حقوق، بیمه، اجاره و انقساط خود را

شهرام زارع، فعال و کارشناس حوزه صنعت، با انتقاد از وضعیت حاکم بر تأمین انرژی واحدهای تولیدی، نسبت به فرسایش تدریجی توان رقابتی صنعت هشدار داد. وی با اشاره به اینکه افزایش روزهای قطعی برق، هم‌افزایی مخربی با تعطیلات رسمی ایجاد کرده، تصریح کرد: این روند عملاً بخش بزرگی از ظرفیت‌های تولیدی کشور را از چرخه بهره‌وری خارج کرده است. وقتی بنگاه‌های اقتصادی در میانه ناترازی‌های زیرساختی رها می‌شوند، نخستین ضربه مستقیم به نرخ تمام‌شده و قدرت رقابت در بازارهای صادراتی وارد می‌شود. زارع با تأکید بر اینکه مدیریت ناترازی انرژی نباید به تصمیمی یک‌جانبه از سوی دستگاه‌های اجرایی تقلیل یابد، خواستار ایجاد کارگروه‌های مشترک شد. کارشناس حوزه صنعت در این‌باره گفت: ادامه روند فعلی، نتیجه تصمیم‌گیری‌های پشت درهای بسته است. باید میان متولیان صنعت، کشاورزی و شرکت توزیع نیروی برق، نشست‌های تخصصی و اجرایی شکل بگیرد تا پایداری شبکه با کمترین آسیب به جبهه تولید پیگیری شود. بدون یک برنامه‌ریزی منسجم و هم‌افزایانه، بحران انرژی نه تنها حل نخواهد شد، بلکه به سدی نفوذناپذیر در برابر رشد تولید بدل می‌شود.

گزارش خبری

به گفته دبیر انجمن صنایع نساجی در شرایطی که صنعت نساجی با افزایش هزینه‌های تولید، کمبود مواد اولیه و رکود بازار مواجه است، اعمال تعرفه‌های هدفمند بر واردات پارچه می‌تواند نقش موثری در حمایت از تولید و حفظ اشتغال ایفا کند.

سیدشجاع‌الدین امامی رئوف در گفت‌وگو با ایسنا با انتقاد از واردات پارچه و پوشاک استوک در توضیح آخرین وضعیت صنعت نساجی و پوشاک کشور، اظهار کرد: صنعت نساجی و پوشاک مانند بسیاری از صنایع کشور، از شرایط ناشی از جنگ اخیر تأثیر پذیرفته و بخشی از این آثار به تأمین مواد اولیه، بخشی به حمل‌ونقل و لجستیک و بخشی نیز به شرایط بازار و تقاضای مصرف‌کنندگان مربوط است و محدودیت‌های ایجادشده در حمل‌ونقل دریایی، افزایش ریسک‌های ناشی از جنگ اخیر، رشد هزینه‌های بیمه و حمل کالا و همچنین افزایش قیمت جهانی نفت، به عواملی بدل شده تا قیمت بسیاری از مواد اولیه پتروشیمی مورد استفاده در صنعت نساجی جهش کند.

وی افزود: بسیاری از الیاف و مواد اولیه موردنیاز در این صنعت، وابستگی مستقیمی به محصولات پتروشیمی دارند و به همین دلیل افزایش قیمت نفت، قیمت این مواد را نیز در بازارهای جهانی بالا برده است؛ علاوه بر این، کاهش تولید برخی محصولات در پتروشیمی‌های داخلی نیز مشکلات

پرداخت کند.

نتیجه، افزایش هزینه تولید و کاهش رقابت‌پذیری است. در این میان، واحدهای کوچک و متوسط بیشترین آسیب را می‌بینند. بنگاه‌های بزرگ ممکن است به نیروگاه اختصاصی یا منابع جایگزین دسترسی داشته باشند، اما یک کارگاه کوچک با یک روز توقف، ممکن است مشتری خود را از دست بدهد یا در پرداخت دستمزد دچار مشکل شود. به این ترتیب، ناترازی انرژی مستقیم به ناترازی در تولید و اشتغال تبدیل می‌شود.

اوج مصرف برق در ایران به حدود ۸۰ هزار مگاوات رسیده، در حالی که کسری شبکه در ساعات پیک تا حدود ۲۰ هزار مگاوات برآورد می‌شود. این فاصله بزرگ نشان می‌دهد مشکل با اقدامات محدود و مقطعی حل نمی‌شود.

نکته مهم این است که ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها با برق واقعی قابل تحویل متفاوت است. بخشی از ظرفیت به دلیل فرسودگی، تعمیرات، محدودیت سوخت و افت راندمان در گرما عملاً در دسترس نیست. در مقابل، مصرف نیز به‌ویژه به دلیل استفاده گسترده از وسایل سرمایشی به سرعت افزایش می‌یابد.

در چنین شرایطی، آنچه برای صنعت اهمیت دارد ظرفیت قابل اتکاست، نه ظرفیت اسمی. تولید به برق پایدار نیاز دارد، نه عدد روی کافد. وقتی این برق تأمین نشود، کل زنجیره تولید دچار اختلال می‌شود.

تولید قربانی مدیریت غیربهبینه انرژی

این فعال صنعتی در بخش دیگری از اظهارات خود، به ضرورت تعیین تکلیف منابع حمایتی اشاره کرد و گفت: تسهیلات و کمک‌های فنی و اعتباری، تنها مسکن‌هایی هستند که در سال‌های گذشته مانع از توقف کامل بسیاری از بنگاه‌ها شدند. اکنون در میانه فشارهای اقتصادی، دستگاه‌های مسئول باید روند تخصیص و جذب این اعتبارات را شفاف‌سازی کنند تا هزینه‌های تأمین مالی برای فعالان این بخش بیش از این افزایش نیابد.

انرژی‌های تجدیدپذیر؛ راهبرد عملیاتی یا شعار سیاسی؟

زارع در تشریح راهکارهای بلندمدت، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را یکی از محورهای اساسی برون‌رفت از وضعیت فعلی دانست و افزود: اتاق بازرگانی ظرفیت کارشناسی لازم را دارد تا با همکاری نظام مهندسی و مشاوران، مدل‌های اجرایی نیروگاه‌های خورشیدی مقیاس کوچک را برای بخش خانگی و تجاری تدوین کند. ما آمادگی داریم تا با ارائه پیشنهادهای دقیق به مراجع تصمیم‌گیر، گامی عملی برای کاهش فشار از روی شبکه سراسری برداریم؛ مشروط بر اینکه گوش شنوایی برای این راهکارهای علمی وجود داشته باشد.

هزینه پنهان خاموشی در اقتصاد

تأثیر قطع برق محدود به کارخانه و تولید نیست. کاهش تولید باعث می‌شود هزینه‌های ثابت روی تعداد کمتری کالا تقسیم شود و در نتیجه نرخ تمام‌شده افزایش یابد. استفاده از مولدهای جایگزین نیز هزینه سوخت و استهلاک را بالا می‌برد. در ادامه، این هزینه‌ها به بازار منتقل می‌شود. افزایش نرخ کالاها، کاهش کیفیت، افت تولید و حتی تعدیل نیرو از پیامدهای مستقیم محدودیت انرژی است. در واقع، مصرف‌کننده نهایی هزینه خاموشی را در قالب گرانی کالا و کوچک‌تر شدن سید خرید پرداخت می‌کند. این همان نقطه‌ای است که بحران انرژی از یک مسئله فنی به یک مسئله اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. برق فقط یک زیرساخت نیست، ستون فقرات تولید و معیشت است.

مسیرهای ناتمام اصلاح

برای عبور از این وضعیت، راه‌حل‌ها شناخته شده‌اند اما اجرای آنها با تأخیر مواجه بوده است. مدیریت مصرف باید از توصیه‌های کلی عبور کند و به ابزارهای اقتصادی مجهز شود. تعرفه‌های زمان‌مند، بازار پاسخگویی بار و مشوق‌های واقعی می‌توانند رفتار مصرف را تغییر دهند. در سمت عرضه نیز افزایش ظرفیت تولید بدون نوسازی شبکه و کاهش تلفات کافی نیست. بخشی از برق پیش از رسیدن به مصرف‌کننده از بین می‌رود و این یعنی اتلاف سرمایه. توسعه شبکه هوشمند و بروزرسانی زیرساخت‌ها نقش کلیدی در پایداری برق دارد.

از سوی دیگر، وابستگی شدید به گاز، سیستم انرژی را آسیب‌پذیر

وی در پایان با اشاره به گلیه‌های فعالان اقتصادی از ساختار مبهم قیوض و نحوه محاسبه هزینه‌های برق، خواستار ورود شورای گفت‌وگو دولت و بخش خصوصی به این پرونده شد و تصریح کرد: شفاف‌سازی مؤلفه‌های هزینه‌ای برق، مطالبه‌ای است که باید در سطوح ملی پیگیری شود. شورای گفت‌وگو، بهترین ظرفیت برای کنار زدن این ابهامات است

سخن پایانی

بنا بر این گزارش، ناترازی انرژی امروز دیگر یک اختلال مقطعی در شبکه برق نیست، بلکه به متغیری تعیین‌کننده در سرنوشت تولید تبدیل شده است. آنچه در ظاهر به‌عنوان مدیریت مصرف یا کنترل پیک مطرح می‌شود، در عمل به کاهش ظرفیت واقعی تولید، افزایش هزینه‌ها و تضعیف رقابت‌پذیری صنعت منجر شده است. استمرار این وضعیت، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، به معنای حرکت تدریجی از تولید به سمت بقا و از برنامه‌ریزی به واکنش‌های روزمره است. واقعیت این است که بدون برق پایدار و قابل پیش‌بینی، هیچ صنعتی امکان تصمیم‌گیری بلندمدت، حفظ بازار یا توسعه سرمایه‌گذاری را

نساجی و پوشاک ارتباط مستقیمی با وضعیت روانی جامعه دارد و تجربه‌های جهانی نیز نشان می‌دهد هرچه آرامش و نسلط اجتماعی بیشتر باشد، بازار پوشاک نیز رونق بیشتری دارد و در مقابل، شرایط نااطمینانی و بحران موجب می‌شود خرید کالاهای بادوام و غیرضروری از اولویت خانوارها خارج شود.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران افزود: به همین دلیل، بخشی از بازار شب عید سال گذشته در حوزه پوشاک، فرش ماشینی، موکت، منسوجات خانگی، پرده و مبلمان از دست رفت و در ادامه نیز بی‌ثباتی‌های ماه‌های ابتدایی امسال و شرایط ناشی از جنگ، مذاکرات و تحولات منطقه‌ای، مانع بازگشت رونق به بازار شده که در نتیجه آن صنعت نساجی و پوشاک با کاهش محسوس تقاضا و رکود بازار مواجه است. امامی رئوف ادامه داد: با وجود تمام این مشکلات، اما صنایع نساجی از ابتدای جنگ تلاش کرده‌اند واحدهای تولیدی را به حفظ اشتغال تشویق کنند که به همین منظور، وضعیت موجودی مواد اولیه، کالاهای تولیدشده و نیازهای واحدها به صورت مستمر پایش شده تا با تأمین نیازهای ضروری، از کاهش اشتغال جلوگیری شود.

وی با اشاره به سهم اشتغال این صنعت گفت: صنعت نساجی و پوشاک یکی از اشتغال‌زاترین صنایع کشور



کرده است. هر اختلال در تأمین گاز، به‌سرعت به برق منتقل می‌شود. تنوع‌بخشی به سبد انرژی و توسعه منابع تجدیدپذیر می‌تواند بخشی از این ریسک را کاهش دهد، هرچند این منابع نیز به تنهایی کافی نیستند و نیازمند تکمیل با ذخیره‌سازی و مدیریت بار هستند.

افزایش بهره‌وری نیز یکی از سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیرهاست. نوسازی تجهیزات صنعتی، بهینه‌سازی مصرف و اصلاح فرآیندها می‌تواند بخشی از تقاضای جدید را مهار کند، اما بدون حمایت مالی و سیاستی، این اقدامات در حد توصیه باقی می‌مانند.

انتخاب میان تکرار بحران و اصلاح مسیر

مسئله امروز دیگر شناخت مشکل نیست، بلکه تصمیم برای حل آن است. ادامه مسیر فعلی به معنای تکرار خاموشی، کاهش تولید و افزایش فشار بر اقتصاد است. انتقال بار از شبکه به صنعت، شاید در کوتاه‌مدت کارآمد به نظر برسد، اما در بلندمدت به تضعیف تولید منجر می‌شود. صنعت به برق پایدار و قابل پیش‌بینی نیاز دارد. بدون آن، برنامه‌ریزی از بین می‌رود و بنگاه‌ها از مسیر توسعه به سمت بقا حرکت می‌کنند. در چنین شرایطی، حتی سرمایه‌گذاری جدید نیز با تردید مواجه خواهد شد.

در نهایت، ناترازی انرژی فقط یک چالش زیرساختی نیست؛ معیاری برای سنجش کارآمدی سیاست‌گذاری اقتصادی است. اگر این ناترازی مدیریت نشود، اثر آن نه‌تنها در خاموشی کارخانه‌ها، بلکه در کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و افت رفا عمومی نمایان خواهد شد.



تا در نهایت بتوانیم راهکارهای عملیاتی برای مدیریت ناترازی و بهبود محیط کسب‌وکار تدوین کنیم. تولید، نیازمند پشتیبانی در عمل است، نه وعده‌های بی‌سرانجام.

نخواهد داشت. در چنین شرایطی، حتی سیاست‌های حمایتی نیز کارایی خود را از دست می‌دهند، زیرا ریشه مسئله در زیرساختی است که باید ضامن استمرار تولید باشد. اگر قرار باشد هر تابستان با همان الگوی محدودیت و خاموشی مواجه شویم، هزینه این چرخه نه فقط بر دوش صنعت، بلکه بر کل اقتصاد و معیشت جامعه تحمیل خواهد شد. عبور از این وضعیت نیازمند تغییر رویکرد از مدیریت بحران به حکمرانی پایدار انرژی است؛ رویکردی که در آن تولید نه قربانی، بلکه اولویت اصلی تصمیم‌گیری باشد. در غیر این صورت، ناترازی انرژی به‌تدریج به ناترازی در رشد اقتصادی تبدیل خواهد شد.

محسوب می‌شود و حدود یک میلیون نفر به‌طور مستقیم در این صنعت فعالیت می‌کنند که با احتساب واحدهای صنفی، فروشگاه‌ها و مشاغل وابسته، تعداد شاغلان غیرمستقیم این صنعت به مراتب بیشتر است و سهم مهمی در سبد اشتغال کشور ایفا می‌کنند و پایین بودن هزینه ایجاد هر فرصت شغلی نیز باعث شده در بسیاری از کشورهای جهان، توسعه صنعت نساجی و پوشاک یکی از راهکارهای اصلی حفظ اشتغال در دوران بحران باشد.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران در ادامه با انتقاد از روند واردات پارچه اظهار کرد: صنعت نساجی به‌دلیل ماهیت کالاهای تولیدی، یکی از قاجاق‌پذیرترین صنایع محسوب می‌شود به‌طوری‌که بخش قابل‌توجهی از پوشاک و پارچه‌های وارداتی از نوع کالاهای استوک هستند به عبارتی محصولاتی هستند که به دلیل پایان فصل، تغییر مد یا مازاد تولید، در بازارهای جهانی با قیمت‌های بسیار پایین عرضه و امکان رقابت قیمتی را از تولیدکنندگان داخلی سلب می‌کرده‌اند و در سوی دیگر، هیچ سهمی در ایجاد و حفظ اشتغال در کشور ندارند. وی افزود: بسیاری از کشورها از جمله ترکیه برای حمایت از تولید داخلی، تعرفه‌های مشخص و هدفمندی برای واردات پارچه در نظر گرفته‌اند تا سرمایه‌گذاری در این صنعت توجیه اقتصادی داشته باشد، اما در ایران چنین حمایت مؤثری کمتر دیده می‌شود.